

کلمات و ترکیبات خاص

در بین متن‌ها و تمرین‌های کتاب درسی، کلمات و ساختارهایی هستند که نحوه ترجمه آن‌ها نیاز به دانش و دقت بیشتری دارد. در این قسمت به مرور این موارد می‌پردازیم:

ج. ۱) إِيَّاكَ و...: این ساختار برای پرهیزدادن شخص مخاطب از عمل زشت به کار می‌رود و به آن «اسلوب تحذیر» گفته می‌شود و آن را به صورت «به تو درباره ... هشدار می‌دهم.» یا «از ... بپرهیز.» ترجمه می‌کنیم.

• إِيَّاكَ و الحسد ... از حسادت بپرهیز، به تو درباره حسادت هشدار می‌دهم.

نکته: این ساختار ممکن است به صورت «إِيَّاكُمْ» یا «إِيَّاكَنَّ» هم به کار برود که در این صورت آن را به شکل جمع ترجمه می‌کنیم.

تست: «إِيَّاكُمْ و مصادقة الكَذَابِ فَإِنَّهُ لَا يَنْفَعُ أَحَدَكُمْ و الاعتماد عليه عاقبته الندامة!»: (تألیفی)

۱) نباید با دروغگو دوستی کنید، زیرا او به کسی سود نمی‌رساند و عاقبت اعتمادکردن به او پشیمانی است!

۲) از دوستی با دروغگو بپرهیزید، چون او به کسی از شما سود نمی‌رساند و اعتمادکردن به او عاقبتش پشیمانی است!

۳) در دوستی با دروغگو هشیار باشید، زیرا او به هیچ‌کدام از شما سود نمی‌رساند و اعتماد به او عاقبتش جز پشیمانی نیست!

۴) به شما درباره دروغگو هشدار می‌دهم، چه دوستی با او برای شما سودی ندارد و اعتماد داشتن به او پایش پشیمانی است!

پاسخ کوتاه: «إِيَّاكُمْ و مصادقة الكَذَابِ» همان اسلوب یا ساختار «تحذیر» است و ترجمه آن به صورت «از دوستی کردن با دروغگو بپرهیزید» یا «به شما درباره دوستی با دروغگو هشدار می‌دهم» صحیح است. این ترجمه فقط در ۲ دیده می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها: در ۱، «از» نباید استفاده شده است که غلط است. در ۳، «هشیار باشید» ترجمه درستی برای اسلوب تحذیر نیست و در ۴ هم کلمه «مصادقة» (دوستی) در جای مناسبی ترجمه نشده است. البته خطاهای دیگری هم در گزینه‌ها وجود دارد که الان به آن‌ها کاری نداریم.

ج. ۲) كَلَّ: «كَلَّ» را براساس کلمه‌ای که بعد از آن آمده ترجمه می‌کنیم:

هر	اگر اسم بعد از آن مفرد نکره باشد.	کَلَّ یوم: هر روز
همه / تمام	اگر اسم بعد از آن جمع یا «ال» دار باشد.	کَلَّ الیوم: تمام روز / کَلَّ الأیام: همه روزها
هر یک	اگر بعد از آن «مِنْ» آمده باشد.	کَلَّ مِنَ الأیام: هر یک از روزها

نکات: ۱ «كَلَّ» وقتی با «مَنْ» بیاید، براساس جمع یا مفرد بودن کلمات بعدی می‌تواند معنای «هر» یا «همه» بدهد.

مثال: «سَلِّمْ عَلٰی كُلِّ مَنْ كَانَ فِي الْبَيْتِ»: به هر کسی که در خانه بود، سلام کردم.

• «سَلِّمْ عَلٰی كُلِّ مَنْ كَانُوا فِي الْبَيْتِ»: به همه کسانی که در خانه بودند، سلام کردم.

۲ گاهی «كَلَّ + ضمیر» برای تأکید بر کلمه پیش از خودش به کار می‌رود.

مثال: ﴿الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ سَجِدُوا...﴾: فرشتگان همگی سجده کردند.

• قرأت ذلك الكتاب كله: همه آن کتاب را خواندم.

تست: «كَلَّ يَوْمَ أَرْكَبُ السَّيَّارَةَ فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ وَ النَّصْفِ حَتَّى أَصِلَ إِلَى بَيْتِنَا فِي الثَّامِنَةِ إِلَّا زُبْعًا!»: (خارج تجربی ۹۸)

۱) هر روز ساعت شش و نیم سوار ماشین می‌شوم تا یک ربع به هشت مانده به خانه‌مان برسیم!

۲) ساعت شش و نیم هر روز سوار اتومبیل می‌شوم تا این‌که ساعت هشت و ربع به خانه‌مان برسیم!

۳) همه‌روزه ساعت شش و نیم سوار تاکسی می‌شدم و در ساعت یک ربع به هشت به خانه می‌رسیدم!

۴) ساعت شش و نیم همه‌روزه سوار تاکسی می‌شدم و در ساعت هشت یک ربع کم به خانه می‌رسیدم!

پاسخ کوتاه: «كَلَّ يَوْمَ» یعنی «هر روز»؛ پس گزینه‌های ۳ و ۴ نادرست‌اند. «الثَّامِنَةُ إِلَّا زُبْعًا» هم یعنی «یک ربع مانده به هشت» که در ۲ به صورت غلط ترجمه شده است.

ج. ۳) «يُعْجَبُ + مفعول (ضمیر) + فاعل»: فعل «يُعْجَبُ» در لغت به معنای «به تعجب وامی‌دارد» است، ولی در این ساختار معنای اصطلاحی «خوش آمدن» می‌دهد. به این صورت که «مفعول از فاعل خوشش می‌آید». دقت کنید که در این ساختار مفعول غالباً ضمیری است که به انتهای فعل متصل شده است.

مثال: «يُعْجِبُنِي هَذَا الْكِتَابُ»: از این کتاب خوشم می‌آید.

• «يُعْجِبُنَا مِهَاجِمُ فَرِيقِ بَرْسُوبَلِسَ»: از مهاجم تیم پرسپولیس خوشمان می‌آید.

ج. ۴) مَا أَفْعَلُ ...: ساختار «ما أفعل + ...» برای بیان تعجب به کار می‌رود.

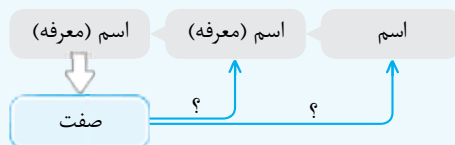
مثال: «مَا أَسْرَعَ إِثْمَارَ شَجَرَةِ الْجَوْزِ ...»: میوه‌دادن درخت گردو چه سریع است.

تست «ما أَجْمَلُ أَنْ تَرَى نَهَايَةَ أَحْزَانِكَ الْمَاضِيَةِ لَتَبْدَأَ حَيَاةً جَدِيدَةً فَرِحَةً»:

- (۱) چه زیباست که پایان غم‌های گذشته‌ات را ببینی تا زندگی جدید شادی را شروع کنی!
- (۲) چیزی زیباتر است که غم‌های گذشته‌ات را پایان دهد تا یک زندگی جدید را با شادی آغاز کنی!
- (۳) چه زیباست که ببینی اندوه‌های گذشته‌ات پایان یافته برای آن که زندگی جدید شادی شروع شود!
- (۴) آن چه زیباتر است این است که پایان ناراحتی‌های قبلی‌ات را ببینی برای این که زندگی جدید شادمانه شروع شود!

پاسخ گزینه (۱): «ما أَجْمَلُ» در این عبارت برای بیان تعجب آمده و معنای آن «چه زیباست» می‌باشد؛ بنابراین گزینه‌های ۲ و ۴ نادرست‌اند. ضمناً «نهایهٔ احزانک الماضیه» یعنی «پایان غم‌های گذشته‌ات» که در گزینه‌های ۲ و ۳ به شکل نادرست ترجمه شده است.

ج. (۵) ترکیب سه اسم: اگر سه اسم به هم وابسته شوند به صورتی که دومی و سومی معرفه باشند، سومی حتماً صفت است و براساس جنس و تعداد یا اعراب صفت می‌توانیم بفهمیم که اسم اول موصوف بوده یا اسم دوم؛ یعنی باید براساس شواهد و مدارک، موصوف را پیدا کنیم نه احساس! پس از این که موصوف را تشخیص دادیم، باید صفت و موصوف را کنار هم ترجمه کنیم.



مثال: «عَمَّالُ الْمَصْنَعِ الْإِيرَانِيَّوْنَ» ⇨ «الْإِيرَانِيَّوْنَ» جمع مذکر است، باید آن را صفت «عَمَّال» بدانیم نه «المصانع». پس ترجمهٔ صحیح آن به این صورت است: «کارگران ایرانی کارخانه‌ها».

• «عَمَّالُ الْمَصْنَعِ الْإِيرَانِيَّةِ» ⇨ «الْإِيرَانِيَّةِ» مفرد مؤنث است پس نمی‌تواند صفت «عَمَّال» باشد؛ بنابراین صفت «المصانع» است ۲ و باید همراه آن ترجمه شود: «کارگران کارخانه‌های ایرانی».

• «مُنْتَجَاتُ الْمَصْنَعِ الْإِيرَانِيَّةِ» ⇨ «الْإِيرَانِيَّةِ» مفرد مؤنث است و از لحاظ جنس و تعداد با هر دو کلمهٔ «مُنْتَجَات» و «المصانع» مطابقت دارد؛ پس از این راه نمی‌توانیم موصوف را پیدا کنیم. اما اگر دقت کنید «مُنْتَجَات» و «الْإِيرَانِيَّةِ» هر دو مرفوع هستند؛ پس موصوف و صفت هستند: «تولیدات ایرانی کارخانه‌ها».

تست «إِذَا أَرَدْتُمْ أَنْ تَخْرُجُوا الْآنَ مِنَ الْبَيْتِ فَالْبِسُوا نَظَّارَةَ شَمْسِيَّةً لِأَنَّ أَشْعَةَ الشَّمْسِ الْمُسْتَعْرَةَ تُهَدِّدُ سَلَامَةَ عَيُونِكُمْ»:

- (۱) اگر خواستید الان از خانه خارج بشوید عینک آفتابی بزنید، چون پرتوهای خورشید فروزان سلامتی چشم‌های شما را تهدید می‌کند!
- (۲) چنان چه می‌خواهیم هم‌اکنون از خانه بیرون بروید عینک آفتابی بزنید، زیرا پرتوهای فروزان خورشید سلامتی چشمتان را تهدید می‌کند!
- (۳) اگر الان می‌خواهید از خانه خارج بشوید فوراً عینک آفتابی بزنید، چون پرتوهای فروزان خورشید تهدیدکنندهٔ سلامتی چشم‌های شماست!
- (۴) چنان چه همین الان قصد دارید از خانه بیرون بروید عینک آفتابی‌تان را بزنید، چون پرتوهای خورشید فروزان سلامت چشمتان را تهدید می‌کند!

پاسخ گزینه (۱): به ترکیب «أَشْعَةُ الشَّمْسِ الْمُسْتَعْرَةَ» دقت کنید. وقتی «الْمُسْتَعْرَةَ» مجرور است پس نمی‌تواند صفت «أَشْعَةُ» باشد؛ بنابراین ترجمهٔ صحیح آن به این صورت است: «پرتوهای خورشید فروزان» (رد گزینه‌های ۲ و ۳). حالا برای پیدا کردن جواب می‌توانیم به تفاوت‌های گزینه‌های ۱ و ۴ دقت کنیم. در ۴، «عینک آفتابی‌تان» غلط است، چون ضمیر آخرش اضافی است.

توضیح اضافه: البته خطاهای دیگری هم در گزینه‌ها دیده می‌شود: ۲ چشمتان («عیون» جمع است). ۳ فوراً (اضافی است). - تهدیدکننده («تُهَدِّد» فعل است نه اسم فاعل).

ج. (۶) مالکیت: «دارم، داشتید، دارند و ...» این‌ها افعالی هستند که در زبان فارسی برای بیان مالکیت به کار می‌روند. برای این مفهوم در زبان عربی از ساختار مقابل استفاده می‌شود:

ل / عند / لَدَى + اسم ...

مثال

- لَدَيْنَا جَوَّالٌ يَحْتَاجُ إِلَى التَّصْلِيحِ. ⇨ موبایلی داریم که به تعمیر نیاز دارد.
- أَلَيْسَ عِنْدَكَ خَبْرٌ عَنِ الْمُبَارَاةِ النَّهَائِيَّةِ؟ ⇨ آیا از مسابقهٔ پایانی خبر نداری؟
- لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سُوءَ الْخُلُقِ. ⇨ هر گناهی توبه‌ای دارد به جز بداخلاقی.
- نکات ۱:** همین کلمات اگر همراه «كَانَ» بیایند، مالکیت در گذشته را بیان می‌کنند.
- مثال:** • كَانَ لَدَيْنَا جَوَّالٌ يَحْتَاجُ إِلَى التَّصْلِيحِ. ⇨ موبایلی داشتیم که به تعمیر نیاز داشت.
- ۲ افعال «يَمْلِكُ» و «يَمْتَلِكُ» هم می‌توانند معنای مالکیت را برسانند.
- مثال:** • لِلْغَرَابِ صَوْتُ يُحَدِّثُ بِهَقِيَّةِ الْحَيَوَانَاتِ. = الْغَرَابُ يَمْتَلِكُ صَوْتًا يُحَدِّثُ بِهَقِيَّةِ الْحَيَوَانَاتِ. (کلاغ صدایی دارد که با آن به بقیهٔ حیوانات هشدار می‌دهد).

۱- لطفاً برای پیدا کردن موصوف در این ساختار اصلاً کاری به «ال» نداشته باشید.

۲- حتماً یادتان هست که برای جمع‌های غیر انسان، صفت را به صورت مفرد مؤنث می‌آوریم.



تکلیف «لکثیر من الاختراعات البشرية وجه مضر قد يستخدمها الناس لنفس الوجه فيظنون أن مخترعها ما كان له هدف إلا كسب الثروة»: (تألیفی)

- ۱) یک روی بسیاری از اختراعات انسانی زیانبار است که مردم گاهی آن‌ها را در همان وجه به کار می‌برند و خیال می‌کنند که هدف اختراع آن‌ها جز کسب ثروت نبوده است!
- ۲) بسیاری از اختراعات انسان یک وجه آسیب‌زننده دارد که مردم هم آن‌ها را در همان وجه به کار می‌برند و خیال می‌کنند هدف اختراع‌کننده آن‌ها فقط کسب ثروت است!
- ۳) بیشتر اختراعات بشری یک روی زیانبار دارد که گاهی مردم آن‌ها را برای همان وجه به کار می‌برند، در نتیجه می‌پندارند که مخترع آن‌ها هدفی جز کسب ثروت نداشته است!
- ۴) برای بسیاری از اختراعات بشری یک روی آسیب‌زننده هست و گاهی مردم آن‌ها را در همان وجه به کار می‌برند؛ پس گمان می‌کنند که مخترعشان هدفی جز کسب ثروت ندارد!

پاسخ گزیده (۳) «ل» در ابتدای این عبارت و «ما کان له» در وسط آن مفهوم مالکیت دارند. «لکثیر من الاختراعات البشرية» یعنی «بسیاری از اختراعات بشری دارند» و «ما کان له» یعنی «نداشته است». این دو مورد فقط در ۲ درست ترجمه شده‌اند. البته باز هم خطاهای دیگری می‌توان در گزینه‌های دیگر پیدا کرد که فعلاً به موضوع ما ارتباطی ندارند.

ج. ۷.۷) هیچ ... برای بیان این مفهوم سه ساختار را باید بشناسیم:

فعل منفی ... + «أَيَّ»

ما ... مِن + اسم نکره

لا + اسم نکره

مثال • لا خَيْرَ في قولٍ إلا مع الفعل. • هیچ خیری در سخنی نیست، مگر همراه با عمل.

• ما من عملٍ إلا و له جزاء في الدنيا و الآخرة. • هیچ عملی نیست، مگر این‌که در دنیا و آخرت جزایی دارد.

• لا تفعلْ أيَّ إساءةٍ إلا و هي ترجع إلى نفسك. • هیچ بدی‌ای انجام نمی‌دهی، مگر این‌که به سوی خودت بازمی‌گردد.

تکلیف «ما من شجرة تُغرس إلا و لها فائدة للناس، إذن ليس غرس الأشجار بسبب أنها تثمر فقط!»: (انسانی ۱۴۰۰)

- ۱) آن‌چه از درخت کاشته می‌شود فایده‌اش برای مردم است، ولی علت کاشتن درختان فقط بهره‌دادن آن‌ها نیست!
- ۲) درخت فقط برای این کاشته می‌شود که فایده‌بخش است، لذا کاشتن درختان به خاطر این‌که بهره بدهند نیست!
- ۳) هیچ درختی نیست که بکاری مگر این‌که برای مردم فایده داشته باشد؛ پس علت کاشتن درختان میوه‌دادنشان نیست!
- ۴) هیچ درختی نیست که کاشته شود مگر این‌که برای مردم فایده‌ای داشته باشد؛ بنابراین کاشتن درختان فقط به خاطر این‌که آن‌ها میوه می‌دهند نیست!

پاسخ گزیده (۴) «ما من شجرة» یعنی «هیچ درختی نیست» که در گزینه‌های ۱ و ۲ به صورت غلط ترجمه شده است. «تُغرس» هم فعل مجهول است: «کاشته می‌شود، کاشته شود» که در ۲ به شکل معلوم ترجمه شده.

خطاهای دیگر: ۱) فایده‌اش برای مردم است. («لها» معنای مالکیت دارد که ترجمه نشده است). - ولی («إذن» یعنی «بنابراین») - بهره‌دادن («تثمر» فعل است نه مصدر). ۲) فایده‌بخش است (مانند ۱) - بهره بدهند (دلیلی ندارد که فعل «تثمر» به صورت التزامی ترجمه شود، ضمناً لفظ «فقط» هم ترجمه نشده است). ۳) میوه‌دادنشان (مانند گزینه‌های قبل)

ج. ۸.۸) باید و نباید ... آوردن لفظ «باید» در ترجمه، در موارد زیر رایج است:

علی + ... ← عليكُم أن تتعاملوا بالعدل. ← باید به عدالت با هم دادوستد کنید.

يجب + ... ← يجب أن تقتصدوا في استهلاك الماء. ← باید در مصرف آب صرفه‌جویی کنید.

لـ + مضارع مجزوم ← لنعامل الناس بالعدل. ← با مردم باید به عدالت رفتار کنیم.

لا + مضارع مجزوم غیر مخاطب ← لا يحزنك قولهم. ← سخنشان تو را نباید ناراحت کند.

تکلیف «ل» به معنای «باید»، غالباً در ابتدای عبارات دیده می‌شود.

تکلیف «لنفكر عن العالم و ما فيه حتى نعلم أن ذلك ما خلق باطلاً، و إن لم ندرک كل دلائل الخلق!»: (زبان ۱۴۰۰)

- ۱) می‌بایست به دنیا و هر چه در آن است بیندیشیم، زیرا آن بیهوده آفریده نشده و حتی اگر چیزی از علل آفرینش را درنیابیم!
- ۲) ما درباره این عالم و آن‌چه در آن است خواهیم اندیشید، زیرا بیهوده خلق نشده است، اگرچه نتوانیم همه علت‌های خلقت را درک کنیم!
- ۳) باید درباره جهان و آن‌چه در آن است بیندیشیم تا بدانیم که آن، باطل خلق نشده است اگرچه همه دلایل آفرینش را درک نکنیم!
- ۴) برای اندیشیدن به عالم و هر آن‌چه در اوست بایستی بدانیم که عالم باطل آفریده نشده، حتی در صورتی که هیچ‌یک از دلایل خلقت را نیافتیم!

پاسخ گزیده (۴) «لنفكر» یعنی «باید بدانیم»، در ۲ لفظ «باید» اصلاً نیامده و در ۴ همراه فعل «بدانیم» آمده که هر دو غلط هستند. حالا به سادگی به دنبال تفاوت‌های بین گزینه‌های ۱ و ۲ می‌گردیم. مثلاً در ۱ نوشته «هر چه در آن است». ولی در ۲ آمده «آن‌چه در آن است». براساس عبارت «ما فيه» که در صورت سؤال آمده، «هر» اضافی است؛ پس ۱ هم نادرست است. البته غلط‌های واضح دیگری هم در گزینه‌ها هست که فعلاً کاری به آن‌ها نداریم.

باز یادآوری می‌کنیم که سؤالات ترجمه چند نوع هستند که روش جواب‌دادن به هر یک از آن‌ها متفاوت است:

(الف) سؤالات تک‌عبارتی: برای جواب‌دادن به این سؤالات بهترین روش پیدا کردن تفاوت‌های گزینه‌هاست تا روی آن‌ها تمرکز کرده و گزینه‌های غلط را حذف کنیم و سرانجام به جواب نهایی برسیم. برای انجام این روش دقت کنید که:

- ۱ بهتر است تفاوت‌ها را در ابتدای ترجمه‌ها جست‌وجو کنیم و بعداً سراغ وسط یا آخر عبارت‌ها برویم، چون در عربی اتفاقاتی که ابتدای عبارت می‌افتد می‌تواند ادامه عبارت را تحت تأثیر قرار بدهد و در نتیجه ما را به اشتباه بیندازد. مثلاً قبلاً با هم دیدیم فعل مضارعی که وسط عبارت آمده، به خاطر وجود یک فعل ماضی در ابتدای عبارت به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.
- ۲ باید با حل تست زیاد یاد بگیریم که بعضی خطاها به اندازه‌ای بزرگ نیستند که بشود با آن‌ها یک گزینه را خط بزنیم.
- ۳ مواظب باشید معانی مترادف یک کلمه را به عنوان تفاوت یا خطا در نظر نگیرید.
- ۴ وقتی سه گزینه را حذف کردیم، حتماً گزینه باقی‌مانده را هم با سرعت بخوانیم تا از درست بودن آن مطمئن بشویم.

(انسانی ۱۴۰۱)

تست «لا تَقُلْ مَا لَا عِلْمَ لَكَ بِهِ، زَبْمًا يُسَبِّبُ لَكَ مَشَاكِلَ وَ تَنْدَمُ عَلَيْهِ؛ فَلَا بَدَّ أَنْ تَسْكُتَ!»:

- ۱ آن‌چه را که به آن هیچ علمی نداری مگو، چه‌بسا باعث مشکلاتی برایت شود و از آن پشیمان شوی؛ پس ناچار باید ساکت شوی!
- ۲ از آن‌چه که به آن علمی نداری حرف نزن، چه بسیار سبب مشکلات برای تو می‌شود و از آن پشیمان شده، مجبور به سکوت می‌شوی!
- ۳ راجع به چیزی که هیچ علمی بدان نداری حرف نزن، بسیار مشکلات برایت می‌آورد و از آن نادم شده ناگزیر سکوت خواهی کرد!
- ۴ چیزی را که نسبت به آن علمی نداری مگو، مشکلات بسیاری را سبب می‌شود؛ پس پشیمان خواهی شد و چاره‌ای جز سکوت نخواهی داشت!

پاسخ گزینه (۱): در ابتدای عبارت‌های فارسی دنبال تفاوت‌های مهم می‌گردیم:

- ۱ آن‌چه را که به آن هیچ علمی نداری مگو، چه‌بسا باعث مشکلاتی برایت شود و از آن پشیمان شوی، پس ناچار باید ساکت شوی!
 - ۲ از آن‌چه که به آن علمی نداری حرف نزن، چه بسیار سبب مشکلات برای تو می‌شود و از آن پشیمان شده، مجبور به سکوت شوی!
 - ۳ راجع به چیزی که هیچ علمی به آن نداری حرف نزن، بسیار مشکلات برایت می‌آورد و از آن نادم شده ناگزیر سکوت خواهی کرد!
 - ۴ چیزی را که نسبت به آن علمی نداری مگو، مشکلات بسیاری را سبب می‌شود پس پشیمان خواهی شد و چاره‌ای جز سکوت نخواهی داشت!
- تفاوت:** خب با توجه به این که «لا علم» به صورت «هیچ علمی...» ترجمه می‌شود، گزینه‌های ۲ و ۴ حذف می‌شوند.

سراغ تفاوت‌های گزینه‌های ۱ و ۳ می‌رویم:

- ۱ آن‌چه را که به آن هیچ علمی نداری مگو، چه‌بسا باعث مشکلاتی برایت شود و از آن پشیمان شوی؛ پس ناچار باید ساکت شوی!
 - ۳ راجع به چیزی که هیچ علمی بدان نداری حرف نزن، بسیار مشکلات برایت می‌آورد و از آن نادم شده ناگزیر سکوت خواهی کرد!
- تفاوت:** در این‌جا تفاوت‌های زیادی بین دو گزینه هست و به راحتی می‌توانیم تصمیم بگیریم که ۳ هم خطاست، چون:
- «لا تَقُلْ» یعنی «نگو»
 - «زَبْمًا» یعنی «چه‌بسا»
 - «مَشَاكِلَ» نکره است.
 - «تَنْدَمُ» یعنی «تأسب» یا «باعث می‌شود».
 - «أَنْ تَسْكُتَ»: ساکت شوی (فعل مضارع است نه مستقبل).

(انسانی ۱۴۰۰)

تست «إِنَّمَا نَرَى الْكَثِيرَ مِنَ الْبَطِّ يَسْبَحُ فِي الْمَاءِ الْبَارِدِ فِي الشِّتَاءِ، وَالْإِنْسَانُ لَيْسَ كَذَلِكَ!»:

- ۱ ما بسیاری از اردک‌ها را می‌بینیم که در آب سرد زمستان شنا می‌کنند در حالی که انسان چنین نیست!
- ۲ اردک‌های زیادی را می‌بینیم که در سرمای زمستان در آب شنا می‌کنند و حال آن‌که انسان چنین نمی‌باشد!
- ۳ ما بسیاری از اردک‌ها را می‌بینیم که در زمستان در آب سرد شنا می‌کنند و حال آن‌که انسان این‌چنین نیست!
- ۴ اردک‌های زیادی را می‌بینیم که در زمستان سرد در آب شنا می‌کنند، در حالی که انسان این‌چنین نمی‌باشد!

پاسخ گزینه (۳): باز هم اول سراغ تفاوت‌ها در ابتدای عبارت‌های فارسی می‌رویم:

- ۱ ما بسیاری از اردک‌ها را می‌بینیم که در آب سرد زمستان شنا می‌کنند، در حالی که انسان چنین نیست!
 - ۲ اردک‌های زیادی را می‌بینیم که در سرمای زمستان در آب شنا می‌کنند و حال آن‌که انسان چنین نمی‌باشد!
 - ۳ ما بسیاری از اردک‌ها را می‌بینیم که در زمستان در آب سرد شنا می‌کنند و حال آن‌که انسان این‌چنین نیست!
 - ۴ اردک‌های زیادی را می‌بینیم که در زمستان سرد در آب شنا می‌کنند، در حالی که انسان این‌چنین نمی‌باشد!
- تفاوت:** مشخص است که «الکثیر من البط» ترکیب وصفی نیست و به صورت «اردک‌های زیادی» ترجمه نمی‌شود؛ پس گزینه‌های ۲ و ۴ حذف می‌شوند.

تفاوت‌های گزینه‌های ۱ و ۳:

- ۱ ما بسیاری از اردک‌ها را می‌بینیم که در آب سرد زمستان شنا می‌کنند، در حالی که انسان چنین نیست!
 - ۳ ما بسیاری از اردک‌ها را می‌بینیم که در زمستان در آب سرد شنا می‌کنند و حال آن‌که انسان این‌چنین نیست!
- تفاوت:** وقتی به قسمت «في الماء البارد في الشتاء» دقت می‌کنیم، می‌فهمیم که ۱ نمی‌تواند درست باشد چون «الشتاء» نباید به صورت وابسته «آب سرد» ترجمه شود، زیرا وسط آن‌ها حرف «في» قرار گرفته است.

نتیجه: دانش‌آموز باتجربه خوب می‌داند که فعل «نَرَى» می‌تواند به صورت‌های «می‌بینیم، می‌پنداریم و می‌بینیم» ترجمه شود؛ پس با آن روی گزینه‌ها قضاوت نمی‌کند.

(ب) سؤالات تعريب (فارسی به عربی): این نوع از ساده‌ترین سؤالات در کنکور سراسری است که باید به راحتی به جوابشان برسیم، چون غالباً گزینه‌هایی که غلط هستند، خطاهای واضح و ساده‌ای دارند. برای آن‌ها هم از همان روش تفاوت گزینه‌ها استفاده می‌کنیم.

(انسانی ۱۴۰۰)

تست «کشاورزان از چاه روستا آبی استخراج کردند»:

- (۱) استخرج الفلاحون ماءً من بئر القرية.
(۲) استخرج هؤلاء الفلاحون ماءً من بئر القرية.
(۳) استخرجوا الفلاحون ماءً من البئر في قرية.
(۴) استخرجوا هؤلاء الفلاحون الماء من بئر في القرية.

پاسخ گزینۀ (۱): تفاوت‌های بین گزینه‌ها آن قدر زیاد است که به راحتی می‌توانیم به قضاوت بپردازیم:

- «استخرج» یا «استخرجوا» وقتی فاعل یک فعل در جمله حضور دارد، فعل باید به صورت مفرد به کار برود. «استخرج» صحیح است. (رد گزینه‌های ۳ و ۴)
- «الفلاحون» یا «هؤلاء الفلاحون» خیلی واضح است که «هؤلاء» اضافی است. (رد گزینه‌های ۲ و ۴)
- «بئر القرية» یا «البئر في قرية» یا «بئر في القرية» مشخص است که «چاه روستا» یک ترکیب اضافی است و نیازی به حرف «في» ندارد. (رد گزینه‌های ۳ و ۴)

(ج) سؤالات چهار عبارتی: در سؤالات چهارعبارتی، مقایسه کردن گزینه‌ها امکان‌پذیر نیست. همین موضوع باعث می‌شود که زمان بیشتری برای حل سؤال مصرف شود؛ پس نباید به خاطر آن استرس یا نگرانی داشته باشیم، اما راه حل: هر گزینه را به بخش‌های کوچک تقسیم می‌کنیم و ترجمه هر قسمت را به دقت بررسی می‌کنیم که آیا درست است یا غلط. دقت کنید که اگر کل عبارت را یکجا بخوانید شاید سرعت بیشتری داشته باشید، اما دقتتان بسیار پایین‌تر می‌آید.

(انسانی ۱۴۰۰)

تست عین الخطأ:

- (۱) لِنَجْتَنِبْ أَيْ إِسَاءَةٍ، وَ هَذَا رَسُولُ الْإِسْلَامِ؛ مَا يَبْدَى مِنْ هَذِهِ الدُّرَى كُنْيمُ وَ أَيْنَ بِمَامِ اسْلَامِ اسْتِ!
(۲) تَعَالَى لِنُؤَكِّدَ عَلَى الْحَرِيَّةِ وَ عَلَى التَّعَالِيهِ مَعًا: بَيَّا تَا بَرِ آزَادِي وَ بَرِ هَمَزِيَسْتِي بِا يَكْدِيْغَرِ تَأَكِيدُ كُنْيمُ!
(۳) كَلَّنَا بِمَا لَدَيْنَا فَرْحُونَ، فَلِهَذَا لَا نَفْكَرُ بِالتَّغْيِيرِ؛ مَا بَهْ أَنْ چِهْ هَسْتِيمُ خُوشْحَالِيمُ، لَذَا هَرْگَزْ بَهْ تَغْيِيرِ فِكْرِ نَمِيْ كُنْيمُ!
(۴) نَحْنُ خُمْسُ سَاكِنِي الْعَالَمِ، نَعِيشُ فَوْقَ هَذِهِ الْأَرْضِ؛ مَا يَكْ پَنْجَمِ سَاكِنَانِ جِهَانِ هَسْتِيمُ كِهْ رُویِ اَيْنِ زَمِينِ زَنْدَگِيْ میْ كُنْيمُ!

پاسخ گزینۀ (۱): هر گزینه را به بخش‌های کوچک تقسیم می‌کنیم و بررسی می‌کنیم که آیا هر قسمت درست ترجمه شده یا خیر:

- «لِنَجْتَنِبْ» باید ... دوری کنیم ✓
- «أَيْ إِسَاءَةٍ» هر بدی ✓
- «هَذَا» (این) (چون) اسم بعدی‌اش «ال» ندارد، باید آن را از کلمات بعدی جدا کنیم. ✓
- «رَسُولُ الْإِسْلَامِ» پیام اسلام است. ✓
- «تَعَالَى» بیا ✓
- «عَلَى الْحَرِيَّةِ وَ عَلَى التَّعَالِيهِ» بر آزادی و بر همزیستی ✓
- «كَلَّنَا» ما (باید) «همه ما» ترجمه شود. ✗
- «فَرْحُونَ» خوشحالیم ✓
- «لَا نَفْكَرُ» هرگز فکر نمی‌کنیم («هرگز» اضافی است). ✗
- «نَحْنُ» ما ✓
- «نَعِيشُ» زندگی می‌کنیم ✓
- «لِنُؤَكِّدَ» تا ... تأکید کنیم ✓
- «مَعًا» با همدیگر ✓
- «بِمَا لَدَيْنَا» به آن چه هستیم (ترجمه صحیح آن «به آن چه داریم» است). ✗
- «فَلِهَذَا» لذا ✓
- «بِالتَّغْيِيرِ» به تغییر ✓
- «خُمْسُ سَاكِنِي الْعَالَمِ» یک پنجم ساکنان جهان هستیم. ✓
- «فَوْقَ هَذِهِ الْأَرْضِ» روی این زمین ✓

تذکره: شاید الان فکر می‌کنید که این روش خیلی زمان‌بر است، ولی مطمئن باشید این بهترین روش است و فقط نیاز به تکرار و تمرین دارد.

دام ویرگول: گاهی در انتهای گزینه‌های ترجمه، علامت «ویرگول» (،) دیده می‌شود. این یعنی گزینه‌های ترجمه به هم مرتبط هستند و ممکن است روی هم مؤثر باشند. مثلاً اگر ۱، فعل «کان» داشته باشد، ممکن است ترجمه فعل‌های گزینه‌های بعدی را تحت تأثیر قرار بدهد.

(خارج عمومی ۱۴۰۰)

تست عین الصحيح:

- (۱) قَدْ نَعُوذُ أَنْفُسَنَا عَمَلًا جَيِّدًا وَ سَيِّئًا؛ گاهی خودمان به کار خوب یا بدی عادت می‌کنیم،
(۲) وَ يُصْبِحُ تَغْيِيرُهُ كَدَاءٍ لَا مَعَالَجَةَ لَهُ؛ و تغییردادنش گاهی مثل بیماری‌ای است که درمان ندارد،
(۳) وَ نُجَذِبُ إِلَيْهِ لَا عَنْ عَزْمٍ؛ و در حالی که تصمیمی بر آن نداریم به سوی ما کشیده می‌شود،
(۴) وَ نَعْمَلُهُ وَ نَحْنُ غَافِلُونَ عَنْهُ؛ و آن را انجام می‌دهیم، در حالی که از آن غافل هستیم!

پاسخ: قبل از حل این تست باید حواسمان به «ویرگول» انتهای گزینه‌های ۱ تا ۳ باشد. حالا گزینه‌ها را تجزیه می‌کنیم:

- «قَدْ نَعُوذُ أَنْفُسَنَا» گاهی خودمان ... عادت می‌کنیم («نَعُوذُ» یعنی «عادت داد»؛ گاهی خودمان را ... عادت می‌دهیم). ✗
- «عَمَلًا جَيِّدًا وَ سَيِّئًا» کار خوب یا بدی ✓
- «و يُصْبِحُ» ... است (ترجمه آن «می‌شود» است). ✗
- «تَغْيِيرُهُ» تغییردادنش ✓
- «كَدَاءٍ» مثل بیماری‌ای ✓
- «لَا مَعَالَجَةَ لَهُ» درمان ندارد («لا» در این جا یعنی «هیچ»). ✗
- «و نُجَذِبُ» کشیده می‌شود (متکلم مع الغیر است نه غایب: کشیده می‌شویم). ✗
- «إِلَيْهِ» به سوی ما (به سوی او) ✗
- «و نَعْمَلُهُ» و آن را انجام می‌دهیم. ✓
- «لَا عَنْ عَزْمٍ» در حالی که تصمیمی بر آن نداریم. ✓
- «و نَحْنُ غَافِلُونَ عَنْهُ» در حالی که از آن غافل هستیم. ✓

عبارت	ترجمه	مفهوم	شاهد مثال
لا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفَعْلِ	هیچ خیری در سخنی نیست مگر همراه عمل.	سخن بدون عمل ارزشی ندارد.	- دو صد گفته چون نیم کردار نیست - به عمل کار برآید به سخندانی نیست ﴿لَيْمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾
شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ	بدترین مردم، انسان دورو است.	نکوهش دورویی	- همیشه همدم رندان یک جهت می‌باش/ - مباش هم‌نفس زاهد دورو یکدم - زهد ربا عیش مرا تلخ کرد/ دلبر شیرین - دهنم آرزوست
مَنْ زَرَعَ الْغَدَوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ	هر کس دشمنی بکارد زیان درو می‌کند.	پرهیز از دشمنی و کینه‌توزی	- آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف/ - است/ با دوستان مروت با دشمنان مدارا - مکن از کینه گس، سینه پرسوز/ که خود - در سوختن مانی شب و روز - سلامة العیش فی المداراة
﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾	هر کس یک نیکی بیاورد ده برابر آن برای اوست.	خداوند به نیکی‌ها پاداش فراوان می‌دهد.	- تو نیکی می‌کن و در دجله انداز/ که ایزد/ - در بیابانت دهد باز - دلا نیکی کن و بد را میندیش/ که نیکی - آیدت پیوسته در پیش
مَا عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ	کشور با چیزی به اندازه عدل، آباد نشده است.	تأثیر عدالت در رفاه و آسایش خلق	- تو آن شهی که ز معماری عدالت تو/ سرای - امن شد آباد و کاخ فتنه خراب
الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ	روزگار دو روز است؛ روزی به سود تو و روزی به زیان تو	روزگار دائماً در تغییر است و خوشی و غم همیشگی نیست.	- دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نرفت/ - دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور - رَأَيْتُ الدَّهْرَ مُخْتَلِفًا يَدُورُ/ فلا حَزَنٌ يَدُومٌ - و لا سرور - گهی پشت به زین و گهی زین به پشت
﴿لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا﴾	روی زمین با خودپسندی راه مرو	دوری از خودپسندی	- خیال بزرگی به خود، گو مبند/ که بر خاک - خواری فِتْد خودپسند - نباشد خودپسندی را سرانجام/ کسی دیبا - نبافد با نخ خام - إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ دَلِيلُ عَلَى ضَعْفِ عَقْلِهِ
أكبر العيب أن تعيبَ ما فيك مثله	بزرگ‌ترین عیب آن است که عیب بدانی آن چه که مانندش در خود توست.	ندیدن عیوب خود و عیب‌جویی از دیگران	- معیوب همه عیب گسان می‌نگرد/ از کوزه - همان برون تراود که در اوست - اموی بشکافی به عیب دیگران/ ور بیرسم - عیب تو، کوری در آن
أَحَبُّ إِخْوَانِي مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عَيْبِي	محبوب‌ترین دوستانم کسی است که عیب‌های مرا به من هدیه کرد.	شرط دوستی خیرخواهی است نه پنهان کردن عیب/ دوستان	- تاج سر من خاک سر پای کسی‌ست/ کو - چشم مرا به عیب من بینا کرد
مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ	هر کس اخلاقش بد باشد خودش را عذاب می‌دهد.	بد اخلاق اول خودش را عذاب می‌دهد.	- همه مرگ تو خوی ناخوش توست/ همه - خشمت به دوزخ آتش توست - لمکن خواجه بر خویشتن کار سخت/ که - بدخوی باشد نگون‌سار بخت

اطلاعات	ترجمة جمله	جمله + کلمات کلیدی
نگفته «بیشترین» بلکه گفته «از بیشترین».	ماهی گیری از بیشترین شغل هایی به شمار آورده می شود که انسان به آن مشغول است.	يُعَدُّ (يُعتبر) صيدُ الأسماك من أكثر المِهْن التي يَشْتَغِل بها الإنسان
شغل بیشتر مردم در مناطق ساحلی ماهی گیری است.	تا زندگی اش را اداره کند، به ویژه در مناطق ساحلی و مناطق احاطه شده با دریاچه ها و رودها	ليدير عيشه خاصه في المناطق الساحلية أو المناطق المحاطة بالبحيرات والأنهار،
گوشت ماهی از منابع غذایی مهم در کل دنیاست.	به گونه ای که گوشت های ماهی ها یکی از مهم ترین منابع غذا است که انسان در [سراسر] جهان از آن استفاده می کند.	بحيث تُشكّل لحومُ الأسماك واحدة من أهمّ مصادر الغذاء التي يَستفيد منه الإنسان في العالم.
در زمان قدیم هم گوشت ماهی خیلی مصرف می شده.	همان طور که در دوران های گذشته ماهی ها منبع غذایی مهمی برای انسان بوده اند.	كما كانت الأسماك مصدراً غذائياً مهمّاً للإنسان في العصور القديمة
نگاره ها هم نشان می دهند که: ۱- مصری ها هم ماهی گیری می کردند. ۲- روش پخت و پز ماهی	بسیاری از نگاره های سنگی قدیمی مربوط به دوره فرعون ها یافت شده است که دلالت بر ماهی گیری آن ها و روش خوردن آن دارد.	قد وُجدت الكثير من النقوش الحجرية القديمة لعصر الفراعنة التي تدلّ على صيدهم الأسماك و طريقة قيامهم بتغذيتهم عليها
ماهی گیری کار سختی نبوده است.	علاوه بر آن انسان در به دست آوردن آن ها دچار سختی نبوده است.	إضافة إلى هذا لم يجد الإنسان صعوبة في الحصول عليها.
ماهی گیری هم شغل است و هم ورزشی محبوب.	شغل ماهی گیری به ورزشی محبوب نزد بسیاری از مردم تغییر یافته است.	تحوّلت مهنة صيد الأسماك إلى رياضة مَحْبوبة لدى العديد من الناس
ماهی گیری میلیون ها طرفدار دارد.	به گونه ای که کسانی که آن را انجام می دهند حدوداً به میلیونها نفر می رسند	حيث يبلُغ من يمارسونها حوالي ملايين من الناس
ماهی گیری با وسایل ساده هم قابل انجام است.	برخی مردم هستند که وقتی به مناطقی می روند که این امکان در آن وجود دارد، به صید مشغول می شوند ولی با وسایلی ساده.	فهناك بعض الناس حين يذهبون إلى المناطق التي توجد فيها هذه الإمكانيّة يَشْتَغِلون بالصّيد لکنه بوسائط بسيطة
روش های ماهی گیری زیاد و متنوع شده است.	روش های صید در گذر زمان تغییر کرده است و روش های به کار رفته در ماهی گیری زیاد شده است.	و تحوّلت طرقُ الصّيد على مرّ الزّمان و تعدّدت الطّرق المُستخدَمة في صيد الأسماك.

پاسخگویی به سؤالات

حالا با توجه اطلاعات بالا سعی کنید خودتان به سؤالات پاسخ دهید و البته لازم به ذکر است که در سال ۹۹ سؤالات متن ۴ مورد بوده است:

۱- عَيْنُ الصَّحِيح: النَّقُوشُ الْحَجَرِيَّةُ الْقَدِيمَةُ تَدَلُّ عَلَى أَنَّ

- (۱) الناس كانوا يَتَمَتُّون أن يرفعوا مشكلة جوعهم!
- (۲) صيد الأسماك كانت مهنة حديثة لا تتعلّمها من أجدادنا!
- (۳) مرور الزّمان قد سبّب تحوّلاً في كَيْفِيَّةِ صيد الأسماك!
- (۴) مصدراً غذائياً وحيداً و مهمّاً من القديم كان لحم الأسماك!

۲- عَيْنُ الْخَطَأ: لماذا كان صيد الأسماك من أهمّ المِهْن من قديم الزّمان للإنسان؟

- (۱) لأنّ السمك كان ثروة طبيعيّة يجدها الناس في الطّبيعة!
- (۲) لأنّهم كانوا يَمْلُؤُون ساعات فراغهم بالاشتغال بهذا العمل!
- (۳) لأنّه كان سهلاً للإنسان أن يحصل عليه ليرفع حوائجه به!
- (۴) لأنّ صيد الأسماك لا يَسُدُّ جوعه فقط بل يُساعده على إدارة الحياة!

۳- عَيْنُ الْخَطَأ: مَضَى الزّمان و علم الناس

- (۱) السبل المختلفة لصيد الأسماك!
- (۲) كَيْفِيَّةِ استخدام صيد الأسماك كرياضة!
- (۳) كيف يَشْتَغِلون بالصّيد بالوسائط البسيطة!
- (۴) أنّ لحم الأسماك هو في كلّ مكان أفضل مصدر لغذائهم!

۴- أَذْكَر ما لم يأت في النَّص:

- (۱) الصيادون غيروا أسلوبَ عملهم على مرّ الزّمان!
- (۲) هناك طرق كثيرة للصّيد يعرفها الناس كلّها من القديم!
- (۳) بعض الناس يَمْلُؤُون ساعات فراغهم بالقيام بصيد الأسماك!
- (۴) لم يكن يستفيد الناس من الوسائط الثّقيلة و الحديثة للصّيد!

باب‌های دام‌دار! طراحان برای به اشتباه انداختن شما گاهی از فعل‌هایی استفاده می‌کنند که ظاهرشان شبیه یک باب است، ولی در واقع متعلق به آن نیستند. به موارد زیر دقت کنید:

۱- افتعال و انفعال در مورد فعل‌هایی که حرف دومشان «ن» است، دقت کنید که اگر «ن» جزء حروف اصلی فعل نباشد، آن فعل از باب انفعال است و در غیر این صورت غالباً از باب افتعال است.

● اِنْتَبَهَ، اِنْتَصَرَ، اِنْتَشَرَ و ... ➔ «ن» جزء حروف اصلی فعل است. ➔ **افتعال**

● اِنْكَسَرَ، اِنْبَعَثَ، اِنْقَطَعَ و ... ➔ «ن» جزء حروف زائد فعل است. ➔ **انفعال**

تذکره فعل‌هایی که حرف دوم و سوم آن‌ها «ن» و «ت» (نت) است غالباً از باب افتعال اند. ➔ **انتبه، ینتقم و ...**

۲- افتعال و استفعال در مورد فعل‌هایی که حرف دومشان «س» است، دقت کنید که اگر «س» جزء حروف اصلی فعل نباشد، آن فعل از باب استفعال است.

● اِسْتَمَعَ، اِسْتَلَمَ، اِسْتَرْقَ، اِسْتَعَرَ، اِسْتَوَى، اِسْتَرَّ و ... ➔ حرف «س» جزء حروف اصلی فعل است. ➔ **افتعال**

● اِسْتَخْرَجَ، اِسْتَعْفَرَ، اِسْتَعَانَ، اِسْتَسَلَّمَ و ... ➔ حرف «س» جزء حروف زائد فعل است. ➔ **استفعال**

(تألیفی)

نکته عَيْنَ فعلاً مزیداً ثلاثياً یختلف بابه:

(۱) کثیر من الآباء والأمهات ینتظرون خروج أولادهم من صالة الامتحان!

(۲) بطاریة جَوالی لا تعمل جيداً فلا أقدر علی قراءة رسائل استلمتها عبر الإنترنت!

(۳) اقترحت المعلمة لنا أن لا ننشر خبر نجاحنا في المباراة النهائية!

(۴) التعم آتی تنهمر علينا کل يوم تدل علی وجود رب رحيم!

پایان کویزه (۱۳) «تنهمر» از ریشه «ه م ر» و از وزن «یَنْفَعِل» است؛ بنابراین مربوط به باب انفعال است.

بررسی سایر گزینه‌ها: ❶ «ینتظر» ➔ «ن» جزء حروف اصلی‌اش است؛ پس از باب افتعال است نه انفعال. ❷ «استلمت» ➔ «س» جزء حروف اصلی‌اش است؛ پس این فعل هم از باب افتعال است نه استفعال. ❸ «اقترحت» ➔ از ریشه «ق ر ح» بوده و بر وزن «افْعَلْ» است؛ بنابراین این فعل هم از باب افتعال است.

تذکره دقت کنید که فعل‌های «لا تعمل» و «أقدر» و «نشر» و «تدل» همگی ثلاثی مجرد هستند.

وزن «تَفْعَل» فعل‌هایی که با وزن «تَفْعَل» هستند، چند حالت دارند که باید حسابی مراقبشان باشیم:

❶ «تَفْعَل» ➔ فعل ماضی باب تفعّل ➔ فعل مضارع باب تفعیل ➔ «تَفْعَلُ» ➔ فعل امر باب تفعّل

راه تشخیص: ❶ از روی زمان عبارت داده‌شده می‌توان این افعال را از هم تشخیص داد (البته به شرطی که زمان جمله مشخص باشد).

مثال «تعلّم التلاміذ الدّرس الجدید فی الأسبوع الماضي.» ➔ از «الأسبوع الماضي» که مربوط به زمان گذشته است، می‌فهمیم که «تعلّم» یک فعل ماضی از باب تفعّل است.

❷ از روی شخص جمله می‌توانیم کمک بگیریم؛ به این صورت که:

● اگر فعل جمله برای «غائب مذکر» به کار رفته باشد، پس «تَفْعَلُ» است (یعنی ماضی باب تفعّل است).

● اگر فعل جمله برای «مؤنث غایب» (یا «جمع غیر انسان») به کار رفته باشد، پس «تَفْعَلُ» است (یعنی مضارع باب تفعیل است).

(تألیفی)

نکته «لنا في المدرسة مُدرّسة حاذقة تعلّم اللّغة العربیة جیدة» عَيْنَ الصّحیح عن الفعل «تعلّم»:

(۱) للمخاطب (۲) فعل ماضی (۳) من باب تفعیل (۴) مصدره «تعلّم»

پایان کویزه (۱۴) با توجه به این که فعل «تعلّم» برای «مدرّسة» که «مؤنث غایب» است به کار رفته، متوجه می‌شویم که «تعلّم» بوده و فعل مضارع باب تفعیل است.

ج. تعداد حروف زائد فعل‌ها

تعداد حرف زائد یک فعل مزید را از روی «فعل ماضی» آن بیان می‌کنند؛ پس اگر به فعل مضارع برخورد کردید، از روی ظاهرش قضاوت نکنید، چون باید شکل ماضی آن را در نظر بگیرید.

مثال یُکْرِمُ شکل ماضی ➔ اُکْرِمَ ➔ یک حرف زائد دارد که «همزه» است.

نکات ❶ در مورد افعال ثلاثی مجرد اصطلاحات زیر را به کار می‌برند:

● **لیس له حرف زائد**

● **حروفه أصلیة کُلّها**

❷ دقت کنید که حرف اول فعل‌های مضارع (حروف مضارعة) را هرگز جزء حروف زائد فعل به حساب نیاورید.

نكتة «قبل بداية السنة الدراسية الجديدة عزمنا على مراجعة دروس العام الماضي!» كم صفة و مضافاً إليه على الترتيب جاءت في العبارة؟ (تأليف)

(١) اثنان، اثنان (٢) ثلاثة، ثلاثة (٣) ثلاثة، أربعة (٤) اثنان، ثلاثة

پاسخ گزیده (۳) با توجه به معنای عبارت و قواعدی که مرور کردیم، می‌توانیم صفت‌ها و مضامین‌الیه‌ها را تشخیص بدهیم: «پیش از آغاز سال تحصیلی

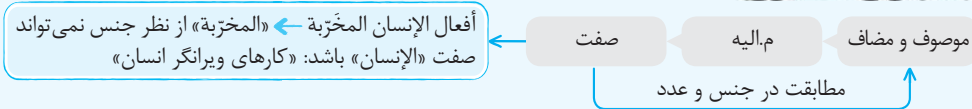
جدید، تصمیم به دوره‌کردن درس‌های سال گذشته گرفتیم.» قبل بدایه السنة الدراسية الجديدة عزمنا على مراجعة دروس العام الماضي.

م.إلیه م.إلیه م.إلیه م.إلیه

صفحة صفحة صفحة صفحة

ترکیب سه تایی اسم‌ها وقتی سه اسم وابسته شوند، اگر دومی و سومی معرّفه باشند، حتماً سومی صفت است و حالت‌های زیر بسیار اهمیت دارند:

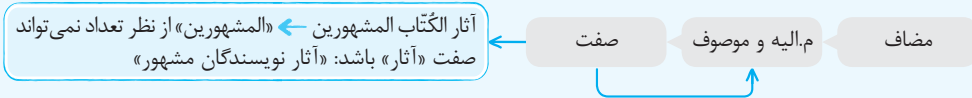
الف. حالت ۳ به ۱ (سومی صفت اولی)



نکته در این حالت باز هم «اسم اول» هم مضاف است و هم موصوف.

ب. حالت ۳ به ۲ (سومی صفت دومی)

تذکر در همهٔ حالت‌ها باید موصوف و صفت را کنار هم ترجمه کنیم.



گست عین اسماء مضافاً و موصوفاً معاً: (تألیفی)

(١) اشتريتُ من هذا المتجر الكبير الفساتين الّتي أحبّها!
(٢) لون غرفة الأطفال يؤثّر على كفيّة نومهم و أخلاقهم!
(٣) إنّ الله قد أرى لنا طريق الحياة الصحيحة!
(٤) الكائنات البحريّة الّتي قد عرفنا بعضها من آيات الله العظيمة!

پاسخ **گزیده (۴)** صورت سؤال اسمی را می‌خواهد که هم مضاف باشد و هم موصوف؛ پس یا باید دنبال «اسم + ضمیر + اسم ال‌دار» بگردیم یا

دنبال ترکیب «۳ به ۱» باشیم. از حالت اول موردی در گزینه‌ها دیده نمی‌شود؛ ولی ترکیب «آیات الله العظيمة» ساختار «۳ به ۱» را دارد؛ پس «آیات» هم مضاف است و هم موصوف.

بررسی سایر گزینه‌ها: ❶ «هذا المتجر الكبير» ← «الكبير» صفت «المتجر» است. ❷ «لون غرفة الأطفال» ← «غرفة» و «الأطفال» هر دو مضاف‌الیه هستند و صفت نداریم. ❸ «طريق الحياة الصحيحة» ← «الصحيحة» صفت «الحياة» است، چون هر دو مؤنث هستند؛ پس ❹ «٣» و «٢» داریم.

۱۶۹- عَيْنٌ مَا لَيْسَ فِيهِ جَمَلَةٌ فَعَلِيَّةٌ: (خارج انسانی ۱۴۰۰)

الجدولة العلمية عملٌ مفيد لنا تُفرحنا رغم صعوبتها!
 (٢) لا كاتبٌ إلا أن يكون مجتهداً في الكتابة، فأكتب كثيراً!
 (٤) حتى الورد المُتساقط على الأرض جماله كثيرٌ للناظرين!
 إنَّ الطينَ ترابٌ يُختلطُ بالماءِ و لو زالت عنه الرطوبة!

۱۷۰- عَيْنَ كَلِمَةٍ «مَنْ» مَنْصُوبَةٌ:

كَلِّ مَنْ لَيْسَ مِمَّنْ فَهُوَ لَا يَعْرِفُنَا! (٢) لَعَلَّ اللَّهَ يَرْحَمُ مَنْ رَحِمَ النَّاسَ!

أَعْلَمِ النَّاسَ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ! (٤) لَا يَنْدَمُ مَنْ يَعْمَلُ بِوَأَجَابَتِهِ فِي الْحِفَافِ عَلَى الْبَيْئَةِ!

۱۷۱- عَيْنَ الفعل لا تتغيّر صيغته عندما يتأخّر عن فاعله:

٢) عزمت المعلمات المجتهدات بتعليم التلميذات الناشطات!
٣) يهتم الناس بتربية أطفالهم البنات و البنين على حد سواء!
٤) لا يقدر هذان الطفلان الصغيران القيام بعمل!
٥) أمرنا الله أن لا ننسى المساكين و اليتامى!

١٧٢- عَيَّنَ كلمة «ما» مضافاً إليه (بالنظر إلى المعنى): (زبان ٩٩)

أَعْظَمُ مَا فِي الْحَيَاةِ أَنْ يَبْقَى الْعَقْلُ شَابًا!

(٢) لَمْ تَقُولِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ!

الْعِلْمُ مَا يَنْفَعُكَ وَالْعَقْلُ مَا يُوْصِلُكَ إِلَيْهِ!

(٤) أَنْظُرِ إِلَى السَّمَاءِ لِيَلْأَ حَتَّى تَشَاهِدَ مَا رَأَيْتَهُ أَنَا!

١٧٣- عَيَّن ما فيه الخبر من نوعيه: الاسم و الجملة:

دَوْر الدَّالِّفِينَ فِي تَمْيِيزِ أَمَاكِنِ تَجَمُّعِ الْأَسْمَاكِ أَمْرٌ مُهِمٌّ لِلْإِنْسَانِ! هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ تُحَيِّرُنَا جَدًّا فِي أَسْلُوبِ حَيَاتِهَا وَ كَثْرَةِ جَمَالِهَا!

(٢) الدَّالِّفِيْنُ عِدْوَةٌ لِسَمَكِ الْقَرْشِ فَحِينَمَا تَرَاهُ تَتَجَمَّعُ حَوْلَهُ وَ تَقْتُلُهُ!

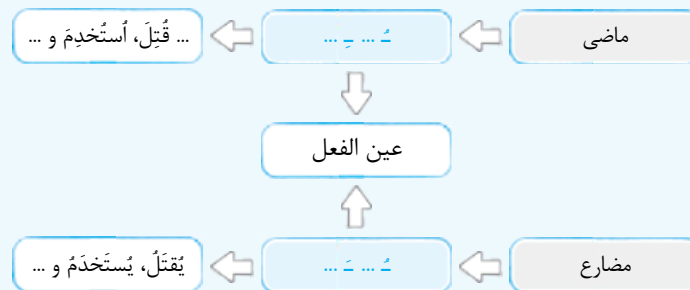
(٤) الدَّالِّفِينَ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ وَ هُوَ يُحِبُّ الْإِنْسَانَ وَ مُسَاعَدَتَهُ مِمَّا أَمْكِنُ!

۱۷۴- عَيِّن «من - ما» منصوباً: (خارج عمومی ۹۹)

لا يُصدّق العاقل ما يقول الكاذب و لو أنه يدّعي بالصدق!
 ٢) كلّ من يُحاول في تحقيق أهدافه يصل إليها في النهاية!
 ٤) الذين تنفك مجالستهم و مشاركتهم هم المؤمنون!

مقدمه: بحث معلوم و مجهول، سؤالات بسیار متنوعی دارد که بیشتر آن‌ها «صورت سؤالشان» قسمت مهم آن است. پس بعد از دوره کردن نکات این قسمت باید صورت سؤال‌هایی که ممکن است ببینیم را دسته‌بندی کنیم.

الف. حرکات فعل مجهول



نکات ۱ چند فعل مجهول خاص لابه‌لای متون کتاب درسی وجود دارد که بهتر است به خاطر بسپارید:

- غَوِقَ (مجازات شد)
- قِيلَ (گفته شد)
- يُصَادَ (صید می‌شود)
- أُصِيبَ (دچار شد)
- يُقَالُ (گفته می‌شود)

۲ هر فعل ماضی که ابتدایش ضمه داشته باشد را می‌توانید مجهول بگیرید و منتظر علامت «عین الفعل» نباشید.

۳ مواظب باشید فعل‌های مضارعی که بر وزن‌های «يُفَعِّلُ»، «يُفَاعِلُ» و «يُفَعِّلُ» هستند را مجهول نگیرید.

ب: تشخیص جمله مجهول (بودن یا نبودن)

باید به معنی دقیق عبارت توجه کنیم. فعل‌هایی که انجام‌دهنده‌شان نامشخص است مجهول‌اند. این فعل‌ها غالباً با «شد» یا «می‌شود» ترجمه می‌شوند.

مثال ۱: یوم يعرف المجرمون بسیماهم ﴿﴾ روزی که مجرمان از چهره‌شان شناخته می‌شوند. ﴿﴾ «يعرف» مجهول است.

۲: يُحِبُّ الأولاد من جانب الوالدین و إن كانوا مُخطئین ﴿﴾ فرزندان از طرف پدر و مادر دوست داشته می‌شوند، اگرچه خطاکار باشند. ﴿﴾ «يُحِبُّ» مجهول است.

نکات ۱ فعل‌هایی که آخرشان ضمیر مفعولی دارند غالباً نمی‌توانند مجهول باشند، چون فعل‌های مجهول معمولاً مفعول ندارند.

مثال ۲: «هذه أعمال حسنة أقدمها للآخرة لكي تُساعدني يوم الحساب.»

۳: أقدمها ﴿﴾ + أقدم + ها

تُساعد + ن + ي

معلوم

۲ افعال باب انفعال هیچ وقت مجهول نمی‌شوند؛ پس گول معنای آن‌ها را نخورید.

دلم فعل‌هایی هستند که در معنای اصلی خودشان «شد» دارند. آن‌ها را نباید با مجهول‌ها اشتباه بگیرید.

إِهْتَدَى: هدایت شد	ذَابَ (يَذُوبُ): ذوب شد	إِنْتَشَرَ: پخش شد
إِزْدَاد: زیاد شد	تَحَسَّنَ: خوب شد	إِبْتَعَد: دور شد
شَبَّ: سیر شد	إِنْتَبَه: آگاه شد	إِشْتَعَلَ: روشن شد
ضَلَّ: گمراه شد	غَرِقَ: غرق شد	كَثُرَ: زیاد شد
أَنْسَعَ: فراخ شد	غَلَا: گران شد	ضَاقَ: تنگ شد

تک: عَيْنُ الْفِعْلِ الَّذِي لَا يُمَكِّنُ أَنْ يُقْرَأَ مَجْهُولاً (علی حسب المعنی):

- ۱) أَخْبَرَتِ الطَّالِبَاتُ كُلَّهُنَّ بِهَذَا الْخَبَرِ الْمَهْمِ!
- ۲) أَرْضَعَتِ الْأُمُّ الْحَنُونَ وَلَدَهَا وَ هُوَ صَغِيرٌ جَدًّا!
- ۳) أَرْسَلَتْ قَوَانِينَ الشَّرِيعَةِ فِي الْكُتُبِ السَّمَوِيَّةِ لِلنَّاسِ!
- ۴) أَغْلَقَتِ أَبْوَابَ الْمَدْرَسَةِ يَوْمَ أَمْسٍ بِسَبَبِ الْأَمْطَارِ الْكَثِيرَةِ!

پاسخ کوتاه ۱۶: صورت سؤال فعلی را می‌خواهد که نمی‌توان آن را به صورت مجهول خواند؛ یعنی نمی‌توانیم آن را مجهول بگیریم. بهتر است

افعال گزینه‌ها را با «شد» ترجمه کنیم تا مشخص شود کدام عبارت مجهول نیست.

- ۱ دانش‌آموزان همگی از این خبر مهم باخبر شدند. ﴿﴾ «أَخْبَرَتِ» را می‌توان مجهول در نظر گرفت.
- ۲ مادر مهربان به پسرش شیر داده شد (!!) در حالی که او بسیار کوچک است. ﴿﴾ «أَرْضَعَتِ» را نمی‌توان مجهول گرفت.
- ۳ قوانین شریعت در کتاب‌های آسمانی برای مردم فرستاده شد. ﴿﴾ «أَرْسَلَتْ» را می‌توان مجهول در نظر گرفت.
- ۴ درهای مدرسه روز گذشته به خاطر باران‌های بسیار بسته شد. ﴿﴾ «أَغْلَقَتِ» را می‌توان مجهول در نظر گرفت.

در مبحث معلوم و مجهول یکی از مهم‌ترین قسمت‌های سؤالات، صورتشان است. بد نیست در پایان این قسمت صورت‌های سؤالات را با هم مرور کنیم:

سؤال	خواسته
عَيْنَ فعلاً حَذَفَ فاعله.	فعل مجهول را می‌خواهد.
عَيْنَ ما ليس فيه فاعل.	جمله‌ای را می‌خواهد که در آن فعل معلوم نباشد.
عَيْنَ عبارة يُمكن أن تُقرأ مجهولة.	عبارتی را می‌خواهد که فعلش مجهول باشد.
عَيْنَ عبارة يُمكن أن تُصبح مجهولة.	عبارتی را می‌خواهد که فعل متعدی دارد.
كم نايباً للفاعل جاء في العبارة؟	تعداد فعل‌های مجهول را باید پیدا کنیم.
بَدَّلَ العبارة إلى المجهول.	تبدیل معلوم به مجهول را می‌خواهد.

۱۸۹- عَيْنَ الخطأ في بناء المجهول:

(خارج انسانی ۱۴۰۱)

- ۱) إسترجع التلميذ الكتاب متي ← أسترجع الكتاب متي!
- ۲) أطلق الأمير الأسير بالزُفَّة ← أطلق الأسير بالزُفَّة!
- ۳) حَبَّرَ نزولُ الأسماك النَّاسَ سنوَابَ طويلة ← حَبَّرَ النَّاسَ سنوَابَ طويلة!
- ۴) يَجْذب هذا الأثرُ الجميل السَّاحِحين من كلِّ العالم ← يُجْذب السَّاحِحين من كلِّ العالم!

۱۹۰- عَيْنَ الصحيح في بناء المجهول:

(انسانی تیر ۱۴۰۱)

- ۱) عَوَّضَ البائعُ اللَّباسَ لي أَمَسَ ← عَوَّضَ اللَّباسُ لي أَمَسَ!
- ۲) أغلق التلميذ باب الصف بهدوء ← أغلق باب الصف بهدوء!
- ۳) يُرشد الشرطيُّ المواطنين في الشَّوارع ← يُرشد المواطنين في الشَّوارع!
- ۴) يَسْتعمل رُكَّابُ السيَّارات حزامَ الأمان للسلامة ← يَسْتعمل حزامُ الأمان للسلامة!

۱۹۱- عَيْنَ نايب الفاعل من الأعداد:

(خارج انسانی ۱۴۰۰)

- ۱) ما يُزرع في الدُّنيا مرَّةً واحدة يُمكن أن يُحصَد عشر مرَّات!
- ۲) اِشترك في السِّباق العِلْمِيّ مائَةُ طالب و نجح سبعة طُلاب منهم!
- ۳) تُشاهد مئات المصَّابيح المُلَوَّنة في أعماق البحر خُلِّقت لِظلام!
- ۴) قد أَلَفَ عددٌ من كتب علم اللغة يَضُمُّ آلاف الكلمات الفارسيَّة المُعرَّبة!

۱۹۲- عَيْنَ الصحيح في البناء للمجهول (حسب المعنى):

(انسانی ۱۴۰۰)

- «استخدم النَّاسُ النفط في الصناعة و ابتعدت الأرض من السلامة يكثرهم في الاستفادة منه و حينئذ يُهدِّدون البيئة و تتعرَّض الحياة للموت»
- ۱) أَسْتخدم النَّاسُ ... ۲) أَبْتعد من السلامة ... ۳) ... و حينئذ تُهدِّد البيئة ۴) ... تُتعرَّض للموت

۱۹۳- عَيْنَ ما ليس فيه نايب الفاعل:

(خارج انسانی ۱۴۰۰)

- ۱) النَّعم تُضَيِّع إن لا يعرف طريق استعمالها الصحيح!
- ۲) يَرْزق النَّاسَ فرحين ولكتهم ينسَوْنَ رازقهم بسرعة!
- ۳) من يَقْتَل مظلوماً فقد جعل الله له مقاماً و حقاً معلوماً!
- ۴) عليه أن يبيِّع فواكه بستانه بسعر مناسب قبل نهاية الفصل!

۱۹۴- عَيْنَ نايب الفاعل ليس جمع تكسير:

(خارج انسانی ۹۹)

- ۱) تَمَرَّرَ أفوهنا عندما يُصِيبنا الرِّكام إصابة!
- ۲) إن ملئت قلوبنا إيماناً لا تدخل الدُّنوب فيها!
- ۳) تُؤكِّد ظواهر الطبيعة الكثيرة أنَّ العالمَ ما خلق عبثاً!
- ۴) قال الطَّيِّبُ تُغَدِّ الأصوات المرتفعه تهديداً لسمعنا!

۱۹۵- عَيْنَ الفعل مجهولاً (بالنظر إلى المعنى):

(انسانی ۹۹)

- ۱) أُرِيدَ أن تُخبر صديقك أنَّ لحظةَ اللقاء قريبة!
- ۲) لا تُسمح أن يترك احترام الفقراء بسبب فقرهم!
- ۳) كيف يُمكن أن لا نكرم مَنْ يَبْسُط لنا وجهه دائماً!
- ۴) أَكْرَمَ معلِّمي بإطاعته و هو يمنح لي ما عنده من العلم!

۱۹۶- عَيْنَ الفعل الذي لا يُمكن أن يُقرأ مجهولاً (على حسب المعنى):

(تجربی ۹۹)

- ۱) أَخبرت الطالبات كلَّهن بهذا الخبر المهم!
- ۲) أَرْضعت الأُمُّ الحنون ولدها و هو صغير جداً!
- ۳) أُرسلت قوانين الشريعة في الكتب السماوية للناس!
- ۴) أَغْلقت أبواب المدرسة يومَ أمس بسبب الأمطار الكثيرة!

۱۹۷- عَيْنَ فعلاً يُمكن أن يكون مجهولاً:

(خارج انسانی ۹۸)

- ۱) سمع النَّاسَ صوت الملك يدعوهم إلى الحرب!
- ۲) ما اكتشف العلماء سرَّ هذه الظاهرة حتَّى الآن!
- ۳) صلاة من يقوم بخداع النَّاس لا ترفع!
- ۴) تَوَثَّرَ آيات القرآن على قلوب المؤمنين بلا شك!

۱۹۸- عَيْنَ الفعل الذي لا يُمكن أن يُبنى للمجهول:

(خارج ریاضی ۹۸)

- ۱) تُصنع الثَّواني حياتك فإن تُحْتبها فلا تُضْعِها!
- ۲) لِبْنَتِي معلِّمٌ حاذق علَّمها القرآن بأحسن طريق!
- ۳) هذه الأَيَّامُ يَسْتَعِدُّ الفلاحون للحصاد في مزارعهم!
- ۴) صديقاتي يعملن الأعمال الحسنة مخفياً عن العيون!



- نکات** ۱ اسم علم حتی اگر «ال» یا «تنوین» هم داشته باشد، باز هم اسم علم است: «الحسین، محمداً»
 ۲ اسم علم اگر به «ی» اضافه شود و از آن صفت منسوبی ساخته شود، دیگر اسم علم نیست: «ایرانی، مصری و ...»
 ۳ از بین نام‌هایی که به خداوند نسبت داده می‌شود، فقط «الله» اسم علم است و بقیه اسم علم نیستند.
 ۴ تنها معرفه‌ای که می‌تواند تنوین هم داشته باشد، «نام آقایان» است: «علی، محمد و ...»
دام این موارد را معرف به «ال» نگیرید: «الذی - ألوان - التفات - التفات»
دام این موارد را اسم علم نگیرید: «الدنیا - الآخرة - الشمس - القمر - النبی - الأرض - الجنة».

تست عین ما فيه اسم العلم أكثر:
 (۱) حارس مرمى فريق «السعادة» انضم إلى فريق «الشباب»!
 (۲) زُرنا حديقة شاهزاده قرب کرمان و هي جنة في الصحراء!
 (۳) زوّار مشهد المقدّسة ركبوا طائرة جديدة تُسمّى «ایرباس»!
 (۴) جبال کبیرکوه في مدينة بدره بمحافظة إيلام جميلة جداً!

پاسخ گزینه (۴) اسم‌های علم موجود در هر گزینه عبارت‌اند از:
 ۱ «السعادة» و «الشباب» (نام تیم هستند) ← اثنان ۲ «شاهزاده» (نام یک باغ است) و «کرمان» (نام شهر) ← اثنان ۳ «مشهد» (نام شهر)، «ایرباس» (نام خاص یک هواپیما) ← اثنان ۴ «کبیرکوه» (نام یک رشته‌کوه)، «بدره» (نام یک شهر)، «ایلام» (نام یک استان) ← ثلاثة
نکته برای شناسایی نکره‌ها نباید فقط به «تنوین» داشتن نگاه کنید، بلکه هر اسمی که معرفه نباشد را باید نکره بگیرید.

تست عین ما ليس فيه اسم نكرة:
 (۱) الجو في مدينة أربيل في الشتاء بارد!
 (۲) بحر «خزر» في مازندران يجذب سياحاً من كل المناطق!
 (۳) أرسل الله موسى عليه السلام إلى فرعون ليهديه!
 (۴) من كان خلقه حسناً يحبه جميع الناس!

پاسخ گزینه (۳) در این گزینه «الله»، «موسی» و «فرعون» هر سه اسم علم و معرفه هستند و اسم نکره‌ای وجود ندارد. در گزینه‌های دیگر حداقل یک نکره هست: ۱ «بارد» ۲ «سیاحاً» ۴ «حسناً» (دقت کنید که «حسناً» در این جا اسم علم نیست، چون به معنای «خوب» است).

نکته طلایی اگر اسمی یک بار به صورت نکره و بار دوم همراه «ال» بیاید، آن «ال» معنای «این» و «آن» می‌دهد؛ یعنی در این حالت «ال» در حکم «اسم اشاره» است.
مثال ﴿أرسلنا إلى فرعون رسلاً فعضى فرعون الرسول﴾ → فرستاده‌ای را به سوی فرعون فرستادیم؛ پس فرعون از آن فرستاده نافرمانی کرد.

تست عین حرف «ال» معناه اسم الإشارة:
 (۱) يقفز السنجاب الطائر بغشائه الخاص، هذا الغشاء كالمظلة!
 (۲) الإجابة قبل أن تسمع الكلام سمعاً جيداً من أخلاق الجهلاء!
 (۳) لا نقدر أن نرى جناحي الطائر لأن سرعة حركة الطائر كثيرة!
 (۴) يا ربّ؛ أعوذ بك من قلب لا يخشع، كأن القلب يبتعد عن ربّه!

پاسخ گزینه (۴) براساس صورت سؤال باید دنبال اسمی باشیم که دو بار در جمله آمده باشد، دفعه اول به صورت نکره و دفعه دوم همراه «ال». این مورد در ۴ دیده می‌شود، کلمه «قلب» یک بار نکره و بار دوم به صورت «القلب» آمده؛ پس «ال» در این کلمه معنای اسم اشاره دارد: «پروردگارا، به تو پناه می‌برم از قلبی که فروتنی نمی‌کند، گویا آن قلب از پروردگارش دور می‌شود».

۲۷۹- عین حرف «ال» معناه اسم الإشارة:

- (۱) يقفز السنجاب الطائر بغشائه الخاص، هذا الغشاء كالمظلة!
 (۲) الإجابة قبل أن تسمع الكلام سمعاً جيداً من أخلاق الجهلاء!
 (۳) لا نقدر أن نرى جناحي الطائر لأن سرعة حركة الطائر كثيرة!
 (۴) يا ربّ؛ أعوذ بك من قلب لا يخشع، كأن القلب يبتعد عن ربّه!

۲۸۰- عین «ال» تفيد معنى الإشارة:

- (۱) رأيت سيارات كثيرة، السيارات كانت في ساحة المدرسة!
 (۲) سيذهب الشاعر إلى مجمع الشعراء، ذلك الشاعر يتكلم عن شعره الحديث!
 (۳) ليلة الامتحان قريبة و الامتحانات صعبة لي، لأنّي ما قرأت دروسي حتى الآن!
 (۴) وقفت سيارة زميلي في مكان وقوف السيارات، هذه سيارة اشتراها زميلي أخيراً!

۲۸۱- عین الجواب الذي جاء في معرفة «عَلَم»:

- (۱) عمارة خسروآباد في سندهج تجذب سياحاً من مدن إيران!
 (۲) إنّ تنفع العباد فأنت إنسان سعيد في الدنيا والآخرة!
 (۳) علينا بالذهاب إلى الملعب قبل أن يمتلئ من المتفرجين!
 (۴) رأيت أفراساً كانت الأفراس جنب صاحبها!

حروف مشبهة بالفعل

کاربرد: حروف مشبهة بالفعل از چند جهت اهمیت داشته و مورد سؤال قرار می گیرند:

۱ تشخیص این حروف و شباهتشان با بعضی کلمات دیگر

۲ کاربرد هر یک از حروف در جمله (تأثیرشان در معنا و مفهوم عبارت‌ها)

۳ تأثیر قواعدی که بر جمله دارند و تفاوت آن با افعال ناقصه.

کاربرد حروف مشبهة بالفعل در جدول زیر تمام مشخصات فردی حروف مشبهة بالفعل را یک جا می توانید ببینید.

حرف	دام	معنا	کاربرد	ویژگی‌های خاص
إِنَّ	إِنْ	همانا، قطعاً، بی گمان ...	- بر کلّ جمله پس از خود تأکید دارد. ← - يُؤَكِّدُ عَلَى جُمْلَةٍ بَعْدَهُ بِأَجْمَعِهَا. - يَرْفَعُ الشَّكَّ عَنْ جُمْلَةٍ بَعْدَهُ.	- در عبارت‌های غیرقرآنی، ترجمه شدن یا نشدندش مهم نیست. - هنگام ترجمه باید اول جمله ترجمه شود تا بر کل جمله تأکید شود. - ترجمه‌اش با «إِثْمًا» خیلی فرق دارد. - بعد از فعل‌های امر و نهی معنای «زیرا» هم می‌دهد.
أَنَّ	أَنْ	که	- ارتباط بین دو جمله را برقرار می‌کند. ← - يَرْبِطُ الْجُمْلَتَيْنِ = يُسْتَخْدَمُ لِلصَّلَةِ	- لَأَنَّ ← لِـ + أَنْ - وسط عبارت‌ها می‌آید.
كَأَنَّ	كَأَنَّ	مانند، مثل این‌که، گویا، پنداری، انگار ...	- گاهی برای تشبیه ← للتشبيه - گاهی برای حدس و گمان ← للظَّنِّ	
لَكِنَّ	لَكِنْ، لَكِنَّ	اما، ولی	- برای کامل کردن پیام عبارت قبلی ← - يَكْمِلُ عِبْرَةً قَبْلَهُ - رفع ابهام از جمله قبل ← يَرْفَعُ الْإِبْهَامَ - عن جمله قبله	وسط عبارت‌ها به کار می‌رود.
لَيْتَ	لَيْسَ	کاش	- اگر همراه فعل ماضی به کار برود، برای بیان «حسرت» است. ← (للحسرة) - اگر همراه فعل مضارع بیاید، برای بیان آرزوهای غیرممکن است. ← (ما لَا نَرْجُو وقوعه)	
لَعَلَّ		امید است که، شاید که	برای بیان امیدواری نسبت به یک موضوع (ما نَرْجُو وقوعه)	

کتاب عین «كَأَنَّ» تختلف في المفهوم:

(۱) المؤمن يقاومُ أمامَ المُشكلاتِ كأنَّه جبلٌ راسخ!

(۳) كأنَّ هذا اللاعبُ يقصدُ أن يخرجَ من المِعلَب!

(۲) دموعي كأنَّها قطراتُ مطرٍ لا تتوقَّفُ لحظة!

(۴) الإنسانُ كأنَّه عالمٌ صغيرٌ فيه أسرارٌ كثيرة!

باستخ گزیده (۱۳) همان‌طور که در جدول آمده «كَأَنَّ» گاهی برای بیان «تشبیه» به کار می‌رود و گاهی نیز «حدس و گمان» را بیان می‌کند. این تفاوت را از روی معنای عبارت‌ها باید بفهمیم.

بررسی گزینه‌ها:

۱ مؤمن در مقابل مشکلات مقاومت می‌کند، او مانند کوهی استوار است. ← «كَأَنَّ» برای تشبیه آمده.

۲ اشک‌هایم مانند قطرات بارانی است که لحظه‌ای متوقف نمی‌شود. ← «كَأَنَّ» برای تشبیه آمده.

۳ این بازیکن گویی قصد دارد از ورزشگاه خارج شود. ← «كَأَنَّ» برای حدس و گمان به کار رفته است.

۴ انسان مانند جهانی کوچک است که در آن اسرار زیادی هست. ← «كَأَنَّ» برای تشبیه آمده.

نکته تا این جا با دو نوع مفعول آشنایی پیدا کردید؛ «مفعول به» و «مفعول مطلق». اگر در سؤالی بخواهند هر دوی این ها را با هم مورد سؤال قرار دهند از لفظ «مفاعیل» استفاده می کنند.

(تألیفی)

نکته عین عبارتۀ جاء فیها «المفاعیل» اکثر:

- (۱) إِنْ قَرَأْتَ كِتَابًا مَفِيدًا عَرَّفَ الْكِتَابَ عَلَى أَصْدِقَائِكَ تَعْرِيفًا!
- (۲) الْإِنْسَانُ يَتَعَدَّى عَلَى الطَّبِيعَةِ تَعَدًى كَبِيرًا وَ يُسَبِّبُ الْاِخْتِلَالَ فِي تَوَازُنِهَا!
- (۳) يَعِيشُ الْبَخِيلُ فِي الدُّنْيَا عِيشَ الْفُقَرَاءِ وَ يُحَاسِبُ فِي الْقِيَامَةِ حَسَابَ الْأَغْنِيَاءِ! ﴿إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾
- (۴) ﴿إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾

پاسخ گزینه (۱) در این گزینه: «كتاباً»: مفعول به (برای «قرأت») - «الكتاب»: مفعول به (برای «عرّف») - «تعريفاً»: مفعول مطلق ← پس در این عبارت ۳ مورد از مفاعیل حضور دارند.

بررسی سایر گزینه ها: (۲) «تعدياً»: مفعول مطلق - «الاختلال»: مفعول به (برای «يسبب») ← ۲ مورد (۳) «عیش»: مفعول مطلق - «حساب»: مفعول مطلق ← ۲ مورد (۴) «الذين»: مفعول به (برای «يحب») ← ۱ مورد (دقت کنید که «صفاً» در این جا قید حالت است.)

(انسانی آذر - رفع شبهه ۱۴۰۱)

۴۲۰- عین ما فيه مفعولات أكثر:

- (۱) ندعو ربنا في هذه الأيام دعاءً خفياً آمليين بالاستجابة!
- (۲) اشتهر صديقنا في العلم بين الناس ساعياً بسبب اختراعه الجديد!
- (۳) لا يخرج التلميذ من الصف جالساً إلا بعد أن شاهدت واجباته!
- (۴) لماذا تنام في أوقات مفيدة من النهار غافلاً، و التوم يسرق نجاحك!

(رياضی ۱۴۰۰)

۴۲۱- عین ما ليس فيه المفعول المطلق:

- (۱) إِنْ أَكْرَمْتَ الْكَرِيمَ إِكْرَامًا بِالْغَا تَشَاهِدَ نَتِيجَتِهِ!
- (۲) أَدَّبَ الْمُؤْمِنُ نَفْسَهُ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ تَأْدِيبًا جَمِيلًا!
- (۳) كَانَ عَشَّ بَعْضِ الطَّيُورِ بَعِيدًا كَثِيرًا عَنِ الْمُفْتَرَسِينَ!
- (۴) رَغِبَ الْمَسَافِرُونَ أَنْ يَسْكُنُوا فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ رَغْبَةً كَثِيرَةً!

(زبان ۹۹)

۴۲۲- عین ما ليس فيه المفعول المطلق:

- (۱) نظرت إلى تاريخ حياة العظماء متأملّة،
- (۲) هم كانوا يسعون في أعمالهم دؤوبين سعيًا!
- (۳) و كانوا يتحملون المشاكل و الكدح تحملاً،
- (۴) إِنْ أَكْثَرَهُمْ كَانُوا يَعِيشُونَ فِي الْبُؤْسِ وَ الْفَقْرِ عِيشًا!

(خارج انسانی ۹۸)

۴۲۳- عین ما ليس فيه المفعول المطلق:

- (۱) أعطى الملك الفلاح إعطاءً يُعْجِبُهُ!
- (۲) يُصَدِّقُ قَوْلَ الصَّادِقِ دَائِمًا تَصْدِيقًا جَمِيلًا!
- (۳) تحضن الأم طفلتها في حضنها محبةً لها!
- (۴) غرس الفلاح فسيلة جوز غرساً لا يأمل أكله!

انواع مفعول مطلق و کاربرد و ترجمه آن ها

تأکیدی

کاربرد

يُؤَكِّدُ عَلَى وَقْعِ الْفِعْلِ. ← بر وقوع فعل جمله تأکید دارد.

يَرْفَعُ الشَّكَّ وَ التَّرَدُّدَ عَنْ وَقْعِ الْفِعْلِ. ← شک و تردید را نسبت به انجام فعل جمله برطرف می کند.

شناخت

مفعول مطلق بدون هیچ وابسته ای (مضاف الیه، صفت) می آید.

ترجمه

به صورت قیده ای تأکیدی ← «قطعاً، حتماً، بی تردید و ...»

نوعی (بیانی)

کاربرد

يُبَيِّنُ كَيْفِيَّةَ وَقْعِ الْفِعْلِ. ← کیفیت انجام فعل را توضیح می دهد.

شناخت

مفعول مطلق بعدش مضاف الیه یا صفت یا جمله وصفیه می آید.

ترجمه

مفعول مطلق + صفت ← صفت را به صورت قید ترجمه می کنیم: «بسیار، به نیکی، به زیبایی و ...»

مفعول مطلق + مضاف الیه ← مصدر را به صورت «مانند، مثل، همچون ...» ترجمه می کنیم.

مفعول مطلق + جمله وصفیه ← غالباً مصدر به صورت «به طوری که، به گونه ای که، چنان که ...» ترجمه می شود.

چالش ضبط الحركات

فصل ۴



یک سؤال از بیست سؤال درس عربی مربوط به حرکت‌گذاری و خوانش کلمات است. نکاتی که در طرح سؤال به کار می‌رود، بسیار تکراری و اصطلاحاً نخ‌نماست. یعنی با مطالعه دقیق نکات این مبحث و حل نمونه سؤالات آن می‌توانید تا حد زیادی مطمئن باشید که آن را به راحتی جواب می‌دهید.

قواعد اولیه

- در مورد سؤالات ضبط الحركات خوب است همین ابتدا نکاتی را بدانیم:
- ۱ باید حرکت‌ها و علامت‌های خاصی را بررسی کنیم نه همه آن‌ها را، یعنی بسیاری از حرکت‌ها و علامت‌هایی که در سؤال دیده می‌شوند نباید مورد بررسی قرار بگیرند.
- ۲ در این سؤالات نیازی نیست علامت‌هایی را که به محل اعرابی اسم‌ها مربوط می‌شود، بررسی کنید؛ یعنی مرفوع یا منصوب یا مجرور بودن اسم‌ها در جواب مؤثر نیست.
- ۳ در آزمون‌های سراسری و آزمون‌هایی که مشابه آن هستند، گزینه‌ای که از نظر حرکت‌گذاری نادرست است، دارای دو غلط است.
- ۴ غلط‌های حرکت‌گذاری دو دسته هستند:
- الف غلط‌های استدلالی: خطاهایی که می‌توان آن‌ها را با دلیل و استدلال پیدا کرد؛ مثلاً این که اسم‌های فاعل و اسم‌های مفعول چه‌طور حرکت‌گذاری می‌شوند و یا این که فعلی که در جمله آمده باید معلوم باشد یا مجهول.
- ب خطاهای خوانشی: خطاهایی که مربوط به خواندن برخی کلمات خاص است و معمولاً حفظی است و نه استدلالی؛ مثلاً این که «کَهْرَبَاء» درست است یا «کَهْرَبَاء»؟

خطاهای استدلالی

۱. مثنی‌ها و جمع‌های مذکر سالم

- اسم‌های مثنی نون آخرشان همیشه کسره دارد (تلمیذین، تلمیذان) و جمع‌های مذکر سالم نون آخرشان همیشه فتحه دارد (مُعَلِّمُونَ، مُعَلِّمِينَ).

۲. اعداد

- در سؤالات ضبط الحركات، گزینه‌هایی را که دارای عدد هستند، همیشه با دقت بررسی کنید:
- الف اعداد عقود همیشه آخرشان باید فتحه داشته باشد: «عَشْرُونَ، ثَلَاثِينَ و ...»
- ب اعدادی که بر وزن «فَاعِل» هستند، علامت وسطشان باید کسره باشد: «وَاحِدٌ، سَادِسٌ و ...»

(عمومی انسانی ۱۴۰۰)

تست عَيْن الخطأ في ضبط حركات الحروف:

- بِسْمَةِ وَ تَسْعُونَ نَاقِضٌ سِتَّةَ عَشَرَ ثَمَانِينَ.
- لِبِلَادِنَا تَجَارِبٌ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ التَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبَابِ.
- خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ.
- فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ مِثَالُ الْكَلِمَاتِ الْمُعَرَّبَةِ ذَاتِ الْأَصُولِ الْفَارِسِيَّةِ.

پاسخ گزینه (۱) در این گزینه «تسعون» و «ثمانین» که اعداد عقود هستند حرکت‌گذاری غلطی دارند و شکل صحیح آن‌ها به صورت «تسعون» و «ثمانین» است.

۳. فعل‌ها و مصدرهای مزید: فعل‌ها و مصدرهای مزید تکراری‌ترین خطاهای این قسمت هستند. باید علامت آن‌ها را براساس وزنی که قبلاً حفظ کرده‌اید، بررسی کنید، خصوصاً مواظب وزن‌های «يَتَفَعَّلُ، يَتَفَاعَلُ، اِئْتِعال، اِنْفِعال و مُفَاعَلَة» باشید.

مثال

غلط	دلیل	شکل صحیح
مُسَابَقَةٌ	این کلمه بر وزن «مُفَاعَلَة» است.	مُسَابِقَةٌ
اِخْتِرَاع	این کلمه بر وزن «اِفْتِعال» است.	اِخْتِرَاع
جَاهِدَ	این کلمه بر وزن «فَاعَل» است.	جَاهَدَ
اِنْكَسَرَ	این کلمه بر وزن «اِنْفَعَل» است.	اِنْكَسَرَ
يَتَفَكَّرُونَ	بر وزن «يَتَفَعَّل» است.	يَتَفَكَّرُونَ

جالبش تحلیل صرفی

۵

فصل

در ساختار جدید کنکور سراسری، سؤالات تحلیل صرفی دو تغییر مهم داشتند:

الف از سه تست به دو تست کاهش یافتند.

ب از تست‌های تک‌کلمه‌ای به چهارکلمه‌ای تبدیل شدند. یعنی دیگر از روش مقایسه گزینیه‌ها نمی‌شود استفاده کرد و برای پاسخگویی به سؤالات باید مواظب تک‌تک موارد نوشته‌شده باشید.

جمع‌بندی عربی انسانی

تحلیل صرفی

مقدمه

نمونه تست تحلیل صرفی

(انسانی تیرماه ۱۴۰۲)

تست «یَعْرِف - يَعِد - الْقِرَاءَة - الاعتدال»:

- (۱) القراءة: اسم - مفرد مؤنث - معرّف بآل - معرب/ مفعول و منصوب لفعل «يعرف»
- (۲) يعرف: فعل مضارع - مجرّد ثلاثي - لازم - معلوم/ فعل و فاعله «الناس» و الجملة فعلية
- (۳) يعِد: فعل مضارع - للغائب - مجرّد ثلاثي - مجهول/ فعل و نائب فاعله «الجاهل» و الجملة فعلية
- (۴) الاعتدال: اسم - مفرد مذکر - مصدر (من باب افتعال) - معرّف بآل - معرب/ مضاف اليه و مجرور

همان‌طور که در تست بالا مشخص شده، گزینه‌ها دو بخش دارند که با علامت «/» از هم جدا شده‌اند. سمت راست مربوط به تحلیل صرفی کلمه (مشخصات ظاهری کلمه) و قسمت چپ مربوط به اعراب آن (نقش و موقعیت کلمه در جمله) است. برای شروع سراغ قسمت تحلیل صرفی بروید بهتر است، چون غالباً نیازی به مراجعه به متن ندارد و باعث می‌شود زمان کم‌تری صرف کنید. البته تجربه هم نشان داده که موارد سمت چپ کم‌تر غلط هستند.

استراتژی حل ۱ حتماً ابتدای کار صورت سؤال را بررسی کنید تا مطمئن شوید که گزینه صحیح را می‌خواهد یا گزینه غلط.

۲ روی تک‌تک موارد دقت کنید، ولی باید سرعت عمل داشته باشید که این مورد نیاز به تمرین و تکرار دارد.

۳ روی مواردی که شک دارید توقف نکنید، چون ممکن است موارد بعدی شما را زودتر به جواب برسانند.

تحلیل صرفی اسم‌ها

مرور جنس اسم

مثال	نکات
منضدة، شجرة ...	اسم‌هایی که «ة» دارند به شرطی مؤنث هستند که مفرد باشند.
اصفهان، ایران، عین	نام «شهرها، کشورها، اکثر اعضای جفت بدن» مؤنث هستند.
دُنیا، عَظْمی، صَحراء، خُضراء	وزن‌های «فَعْلَى، فَعْلَاء» مربوط به مؤنث‌هاست.
الأرض، التّفس، السّماء، الشّمس، الحرب، الدّار ...	مؤنث‌های سماعی

تذکره در مورد جمع‌های مکسر باید حتماً به مفردشان توجه کنید.

مرور عدد اسم

دام	ساختار
إخوان، غِزلان، فِئران، أغصان، أسنان و ...	مثنی‌ها ← «مفرد + ان، ين»
عیون، غصون، مساکین، قوانین، عناوین، فنون، تمارین	جمع‌های سالم مذکر ← «مفرد + ون، بن»
أموات، أصوات، أبيات، أوقات و ...	جمع‌های سالم مؤنث ← «مفرد + ات»
	وزن‌های معروف جمع‌های مکسر:
	● فُعَال ← جمع فاعل
	● أَفْعَال ← جمع أَفْعَل
	● مَفَاعِل ← جمع مَفْعَل یا مَفْعِل یا مَفْعَلَة
	● فُعَاة ← جمع فاعلي

آموزش‌ها

الف) دقت کنید کلمه‌ای مثل «روزی» که انتهای خود «ی» دارد، نکره نیست، زیرا «ای» برای خود کلمه است و با افزودن «ای» به انتهایش نکره می‌شود ← روزی‌ای.

ب) فعل «أَخْرَجَ» متعدی است. این مطلب را از دو راه می‌توان فهمید. اول این که باب «إِفعال» غالباً فعل‌ها را متعدی می‌کند و ثانیاً پس از آن «رِزْقاً» آمده که منصوب است و مشخص است که مفعول این فعل می‌باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) آب «ماء» نکره است نه معرفه. /
 به: به وسیله آن در ترجمه نیامده است. / روزی «رِزْقاً» نکره است، نه معرفه. /
 قرار داد (معادل دقیق فعل «أَخْرَجَ» نیست). / آب «ماء» نکره است نه معرفه. /
 به: به وسیله آن در ترجمه نیامده است. / روزی «رِزْقاً» نکره است، نه معرفه. /
 بیرون آمد (فعل مفعول‌پذیر است). / ثمره‌های رِزق «الْثَّمَرَات» و «رِزْقاً» ترکیب اضافی نیستند. / حرف «مِنْ» از در ترجمه نیامده است.

میانبر

«رِزْقاً» نکره است و تنها در ۴ درست ترجمه شده است.

آموزش

«يُخْرِجُ» مضارع باب «إِفعال» است. آن را با مجهول اشتباه نگیرید و هم‌چنین ضمیر «هم» در انتهای آن مفعولی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) سرور (معنای درستی برای «وَلِيّ» نیست). /
 ایمان بیاورند («آمَنُوا» ماضی است نه مضارع). / ظلمت «الظُّلُمَات» جمع است نه مفرد. / خارج می‌شوند «يُخْرِجُ» معلوم است نه مجهول و هم‌چنین ضمیر «هم» مفعولی است نه فاعلی. / سروری دارد (معادل «وَلِيّ» نیست). / تاریکی «الظُّلُمَات» جمع است. / خارج می‌شوند «يُخْرِجُ» معلوم است نه مجهول و هم‌چنین ضمیر «هم» مفعولی است نه فاعلی. / می‌روند (اضافه است). / ولایت دارد («وَلِيّ» اسم است نه فعل). / ایمان آورده باشند («آمَنُوا» معادل ماضی ساده یا نقلی است نه ماضی التزامی). / ظلمت «الظُّلُمَات» جمع است نه مفرد. / می‌برد (اضافه است).

میانبر

این سؤال تنها با توجه به کلمه «الظُّلُمَات» قابل حل است، زیرا «الظُّلُمَات» جمع است و تنها در ۲ درست ترجمه شده، ولی در سایر گزینه‌ها به صورت مفرد ترجمه شده است.

آموزش

۱۷ کلمات کلیدی: يقول: می‌گوید / الكافر: کافر / كُنْتُ: بودم

آموزش

اعراب کامل فعل ناقصه «كُنْتُ» را ندارید، ولی از روی ضمیر «ي» در «ليتي» می‌توانید بفهمید که «كُنْتُ» بوده و مربوط به متکلم وحده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «از» اضافه است. ۲) کافری «الكافر» معرفه است. /
 گفت (فعل «يقول» مضارع است). / بودی (فعل «كُنْتُ» برای متکلم وحده است). /
 ای آرزوی من (معادل «يا ليتني» نیست). / «از» اضافه است. / بودی (فعل «كُنْتُ» برای متکلم وحده است).

۱۸

کلمات کلیدی: إِنَّمَا: فقط، تنها / وَلِيّ: ولی، سرپرست

آمَنُوا: ایمان آورده‌اند

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) همانا «إِنَّمَا» به معنای «فقط، تنها» است. /
 هر کس «الَّذِينَ» موصول است، نه ادات شرط و معنی «کسانی که» می‌دهد. /
 ایمان بیاورد (فعل «آمَنُوا» جمع مذكر غایب و ماضی است). / سرور «وَلِيّ» معنای «ولی، سرپرست» دارد. / بدون شک «إِنَّمَا: فقط، تنها» / «پیامبر (ضمیر «ه» ترجمه نشده). / آن که «الَّذِينَ» جمع است و معنی «کسانی که» می‌دهد. / به درستی «إِنَّمَا: فقط، تنها» / سرور «وَلِيّ» معنای «ولی، سرپرست» دارد. / کسی که «الَّذِينَ» جمع است و معنی «کسانی که» می‌دهد. /
 ایمان آورده است (فعل «آمَنُوا» جمع مذكر غایب و ماضی است).

۱۹

کلمات کلیدی: أَدْعُ: دعوت کن، فراخوان / رَبِّكَ: پروردگارت، پروردگار تو / بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ: با حکمت و موعظه نیکو / جَادِلْهُمْ: با آنان مجادله کن / بَأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ: با آن چه نیکوتر است

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) خدای خود «رَبِّ» به معنای «پروردگار» است ← پروردگارت. / سخنان خوب و زیبا «أَحْسَنُ» اسم تفضیل است و «زیبا» اضافه است. / مقابله کن (معادل دقیقی برای «جَادِلْ» نیست). / دعوت «أَدْعُ» فعل امر است. / باید (اضافی است). / خداوند (ولاً «رَبِّ» یعنی «پروردگار»، ثانیاً ضمیر «ك» ترجمه نشده است). / هر چه (ترجمه درستی برای «الَّتِي» نیست). / فراخواندن (معادل فعل امر «أَدْعُ» نیست). / خدای خود (مانند ۲) / زیبا انجام بده (اضافی است و معادلی در آیه شریفه ندارد). / «الموعظة الحسنة» ترکیب وصفی بوده و به صورت «موعظه نیکو، پند نیکو» باید ترجمه شود. / در ضمن «الحكمة» ترجمه نشده است. / با شیوه‌ای بهتر (ترجمه آن به صورت «با آن چه نیکوتر است» درست است). / مقابله کن (معادل دقیقی برای «جَادِلْ» نیست).

۲۰

کلمات کلیدی: رُسُلًا: رسولانی، پیامبرانی، فرستادگانی / قومهم: قومشان، قوم آن‌ها / جاؤوهم بِ: برایشان آوردند / البیتات: بیتات، دلائل روشن

آموزش

ضمیر «هم» در انتهای فعل «جاؤوهم» به اسم «قوم» برمی‌گردد؛ پس فعل «جاؤوهم» به صورت «برایشان (قوم خود) آوردند» ترجمه می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) مردمشان «قومهم: قومشان» / معجزاتی «البیتات» معرفه است نه نکره. / با خود آوردند (ضمیر «هم» به «قوم» برمی‌گردد). / رسولان «رُسُلًا» نکره است نه معرفه. / اقوام «قوم» مفرد است. / بیتاتی «البیتات» معرفه است نه نکره. / همراه خویش آوردند (ضمیر «هم» به «قوم» برمی‌گردد). / پیامبران «رُسُلًا» نکره است نه معرفه. / دلیل روشن «البیتات» جمع است نه مفرد. / به همراه خود آوردند (ضمیر «هم» به «قوم» برمی‌گردد).

میانبر

این سؤال تنها با توجه به ترکیب «جاؤوهم بالبیتات» قابل حل است: فعل «جاؤوهم بِ» به صورت «برایشان آوردند» ترجمه می‌شود (رد سایر گزینه‌ها) و «البیتات» هم معرفه و جمع است. (رد سایر گزینه‌ها)